

رئیس جمہور پیدا پنہان

سال چہارم / شماره سیزدهم / ایگان / چهارشنبه بیست و چہارم مہرماہ سال ۱۳۹۹

در این شماره می خوانید

فرقیسم (فرقه و ہائیت)

دولت پیدا و پنہان

سیرہ سیاسے علی ابن موسے الرضا (ع)

مطالبہ (برداشت سوم)



پس از رواج تفکر تشکیل دولت اسلامی در ایران، به گفته افراد حاضر در آن دوران، مردم خواستار دولتی بودند که در فکر تجملگرایی و بی عدالتی نباشد، به فکر مستضعفین باشد و در جهت استقلال و عزت ملی گام بردارد.

با نگاهی به کتب تاریخ معاصر ایران و گفتگو با افرادی که در این مدت ۴۲ ساله زندگی کرده اند به چند مورد پی میبریم؛ در این دوران تشکیل دولت اسلامی اتفاقات گوناگونی اعم از نفوذ منافقین، شروع جنگ تحمیلی، رواج زندگی غربی، حضور برخی آقایان روحانی نما، سمت گرفتن افراد نالایق در برخی از پست ها و... باعث ضربه‌های جبران ناپذیری به بدنه حکومت اسلامی شده است. اما هیچکدام نتوانسته اند معیارهای اصلی حکومت اسلامی را کمرنگ کنند و دلیل آن این است که موازین اسلام و براساس آن تشکیل دولت اسلامی بر تمام ابعاد انسانی و فردی و اجتماعی یک کشور اثر مثبت و مستقیم دارد و ما نیز اگر بتوانیم این ابعاد را درک کنیم و در زندگی فردی خود وارد کنیم میتوانیم در ابعاد اجتماعی نیز اثر گذار باشیم.

حال باید دید چرا دولت اسلامی ایران که تشکیل شده از قوه مجریه است چرا به سمت تک بعدی بودن و جدایی از اسلام افتاده است؟ اینکه دولتی تنها به فکر مقاصد اقتصادی خود و اطرافیان خود است جز دنیاگرایی معنی دیگری ندارد و کاملاً به دور از موازین حکومت اسلامی است.

باید دید چرا رئیس جمهور یک کشور اسلامی که لباس روحانیت بر تن دارد و از اسلام حرف میزند زمانی از جدایی دین از سیاست کلام به میان می آورد (در هنگام شعارهای انتخاباتی ایشان که به وفور از این جدایی به بهانه آزادی سخن به میان می آوردند) و در زمانی اسلام را سپر دولت می کند و همه را حواله اسلام میکند؟ (در هنگام مذاکرات حین برجام که از عاشورا و درخواست امام حسین ع برای مذاکره با یزیدیان صحبت کردند که این کاملاً بحث برانگیز و جای تعجب است که امام حسین ع که باتمام توان در مقابلشان ایستادند چطور به دنبال مذاکره بودند؟)

چرا دولت مردان کشورمان تنها به دنبال زمین و مایملک شخصی خود و اطرافیان خویش هستند در حالی که شعارشان این است که خادم مردم اند اما همین مردم زیر فشارهای اقتصادی که بخشی از قصور آن به گردن همین دولت مردان است له می شوند؟

وتنها گفتن چرا کافی نیست! باید شروع کنیم به مطالبه عدالت و باید از خودمان و زندگی خودمان شروع کنیم و ابعاد فردی و اجتماعی اسلام را بفهمیم و در خواست از دولتمردانمان کوتاهی نکنیم.

نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی سجاد

صاحب امتیاز زهرامحمدزاده

مدیر مسئول زهرامحمدزاده

سردبیر زهراسرایبار

طراح و صفحه‌آرا کوثرزکی‌زاده

ویراستار کوثر کرباس‌فروشان

هیئت تحریریه نادیا لامی، سید نفیسه حسینی،

سیدزهراسینی، مریم سلطان احمدی،

زهراسرایبار، زهرامحمدزاده، مائده ایران‌نژاد

فهرست

- ۱- فرقیسم (فرقه وهابیت)
- ۲- دولت پیدا و پنهان
- ۴- بوی ماه مهر
- ۵- سیره سیاسی علی ابن موسی الرضا
- ۶- مطالبه (برداشت سوم)
- ۸- نگاه عوامانه در مسئله ی ظهور منجی (۲)

امام سجاد علیه السلام

خدایا...

کسانی صبح می کنند در حالی که به غیر تو اعتماد و امید دارند؛ ولی من صبح کردم در حالی که در همه امورم اعتماد و امیدم تویی. برای من به آنچه سرانجامش از همه بهتر است حکم کن و از فتنه‌های گمراه کننده نجاتم ده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان!

«فراز ۸ دعای ۵۴ صحیفه سجادیه»

سرچشمه می گرفت را منتشر می ساخت، مسلمانان قصد کشتن او را کردند و او برای نجات جان خود به شهر «عینیه» فرار کرد. امیر شهر عینیه، عثمان بن معمر، به او قول یاری داد تا بتواند افکار و عقایدش را در جزیره العرب منتشر سازد، لکن این میثاق دوام نیاورد. به همین دلیل از ترس این که امیر او را ترور کند به «درعیه»، شهر مسیلمه کذاب فرار کرد. در «درعیه» نیز با محمد بن سعود - جد آل سعود - که امیر آن شهر بود، ملاقات کرد. و محمد بن سعود به او قول یاری داد تا در عوض، او نیز حکومتش را تأیید نماید. محمد بن سعود نیز به جهت تأیید این میثاق، یکی از دختران خود را به نکاح او درآورد. اولین کار او این بود که حکم به کفر و شرک و ترور امیر «عینیه» داد و سپس آل سعود را برای حمله به «عینیه» تشویق کرد. در اثر آن حمله، مردم زیادی کشته، خانه‌هایشان غارت و به نوامیس شان تجاوز شد. این گونه بود که وهابیان، حرکت انحرافی خود را با شعار نصرت و یاری توحید و محاربه با بدعت و شرک شروع کردند.

محمد بن عبدالوهاب به اتهام اینکه مسلمانان متوسل به پیامبر اسلام (ص) می شوند و بر قبور اولیای خود گنبد و بارگاه می سازند و به قصد زیارت قبور سفر می کنند و از اولیا طلب شفاعت می کنند و... همه مسلمانان را، بدون استثنا، تکفیر میکرد.

پس از پیروزی بر «عینیه» به سرزمین‌های دیگر لشکرکشی کرده و به بهانه گسترش توحید و نفی بدعت، شرک و مظاهر آن، از میان مسلمین به سرزمین نجد و اطراف آن؛ یعنی یمن و حجاز و نواحی سوریه و عراق، حمله ور شدند، و هر شهری که عقاید آنان را قبول نمی کرد غارت کرده و افرادش را به خاک و خون میکشیدند. وهابیان با این افکار خشن، باعث ایجاد اختلاف و درگیری میان مسلمین شدند و دشمنان اسلام را خشنود نمودند.

تا جایی که «لورد کورزون» - از سیاستمداران و رجالان ۲۵ سال نخست سده بیستم بریتانیا - در مدح وهابیت می گوید: «این عالی ترین و پربهاترین دینی است که برای مردم به ارمغان آورده شده است.» با این که محمد بن عبدالوهاب از دنیا رفته است ولی مستشرقین و استعمارگران دائماً درصدد دفاع از افکار او هستند، تا جایی که یک مستشرق معروف یهودی او را «پیامبر حجاز» خوانده و مردم را به متابعت از افکار او تحریک می نماید.



فرقئیسم (وهابیت)

یکی از فرقه‌هایی که در مقابل اکثر مسلمین قرار گرفته، فرقه ای موسوم به «وهابیت» است. این فرقه منسوب به مؤسس آن، محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی است. او کسی است که با ادعای احیای توحید و سلفی گری، همان عقاید و افکار ابن تیمیه - از علمای اهل سنت و اندیشمند تأثیرگذار سلفی - را در شبه جزیره عربستان پیاده کرده و آل سعود نیز مجری افکار آن‌ها گشت. این فرقه از قرن دوازده تا کنون بر جای مانده است محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۱ هـ. ق متولد شد و در سال ۱۲۰۶ هـ. ق از دنیا رفت. دوران کودکی را در شهر خود «عینیه» در حجاز و به ویژه نجد سپری کرد. بعد از مدتی وارد حوزه علمیه حنبلی شد و نزد علمای «عینیه» به فراگیری علوم پرداخت. برای تکمیل دروس خود، وارد مدینه منوره شد. بعد از آن شروع به مسافرت به کشورهای اسلامی کرد، چهار سال در بصره و پنج سال در بغداد اقامت نمود و به ایران نیز سفر کرد؛ در کردستان یک سال و در همدان دو سال ماند. همچنین سفری به اصفهان و قم داشت. از آنجا که محمد بن عبدالوهاب، عقاید خرافی خود که بر خلاف عامه مسلمانان بود و از عقاید ابن تیمیه

ویژگی بنیادی مذهب وهابی، بر نفی عقاید و اعمال دیگر مسلمانان استوار است. آنان برخی اعتقادات و اعمال مسلمانان را با توحید عبادی ناسازگار می‌پندارند. براساس مطالبی که در کتابهای پیشوایان فکری این فرقه به دست می‌آید، تنها کسی را میتوان مسلمان و موحد خواند که کارهای زیر را ترک کند:

۱. توسل به هیچ یک از انبیاء و اولیای خداوند نجوید و مثلاً نگوید: «یا الله اتوسل الیک بنبیک محمد نبی الرحمه». ۲. به قصد زیارت، به قبر پیامبر (ص) نزدیک نشود و در آن جا دعا نخواند، دست به قبور آنان نکشد و در کنار قبر آنان نماز نخواند. ۳. بر روی قبر پیامبر (ص)، مسجد و بنای دیگری نسازد و زیارت و تزیین قبور برای مشرکان است. ۴. برای هیچکس، حتی اگر از انبیاء باشد، نذر نکند. و آنها را خطاب قرار ندهد. ۵. سوگند به پیامبر و هیچ انسان دیگری نخورد و خدارا به حق هیچکس مورد خطاب قرار ندهد؛ یعنی نگوید به پیامبر قسم میخورم و... ۶. نباید پیامبر را با لفظ سیدنا و الفاظی مثل یا محمد، سیدنا محمد خطاب کند. ۷. پناه بردن و استغاثه و کمک خواستن از غیر خداوند، شرک است. ۸. فال خوب و بد نزنند؛ مثلاً نگوید: اگر ان شاء الله خدا چنین بخواهد و یا خدای نکرده اگر چنین شود. ۹. طلب شفاعت از هیچ انسانی نکند، حتی اگر پیامبر (ص) باشد؛ چرا که اگرچه آنان از سوی خداوند دارای چنین مقامی میباشند، اما دیگران حق ندارند چنین چیزی را درخواست کنند و گرنه بابت پرستان هیچ تفاوتی ندارند.

این موارد اصلیتربین عقاید وهابیت است که ترک نکرد نشان باعث مشرک خواندن فرد میشود ولی وهابیون فتوهای مضحک دیگری دارند که توسط مفتی ها هر چند وقت به روزسانی میشود که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

حرام بودن خوردن گوجه فرنگی

حرام بودن استفاده از کمربند ایمنی

حرام بودن خوردن سمبوسه

جایز بودن خوردن گوشت جن!

جایز بودن همجنسگرایی

جایز بودن فروش مشروبات الکلی و تجارتهای جنسی

جایز نبودن مصرف زعفران و ...

دولت پیدای پنهان

اما آیا همه‌ی این غیبت‌ها باعث می‌شود باز هم آقای رئیس‌جمهور صبح جمعه از تمام اتفاقات مطلع شوند؟ رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور و رئیس بانک مرکزی پیدایش شد، آن هم زمانی که وزیر طاقتش طاق شد و در دل نوشته‌ای خطاب به سردار دلها گفت: "هنوز بعد از چندین ماه اجازه‌ی رهبرانقلاب برای برداشت یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی چیزی کمتر از ۳۰ درصد به وزارت بهداشت اختصاص پیدا کرده است."

به راستی دولت اضافی این پول را برای چه کار مهمی صرف می‌کند؟! عدم اختصاص این پول به وزارت بهداشت به دلیل افزایش نقدینگی در کشور برای اقتصاد از دست رفته ما بهانه جالبی نیست، و بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است! و صبح جمعه‌هایی که هنوز از راه نیامده‌اند و اصلاح‌نمی‌دانیم می‌آیند؟!!

چندی پیش دکتر مسعود مردانی، عضو کمیته کشوری کرونا در مصاحبه‌ای عنوان کردند: "آقای حسن روحانی سن بالایی دارند و بیماری قلبی و ریوی دارند و در صورتی که کرونا بگیرند ممکن است عوارض جبران ناپذیری برایشان داشته باشد." شاید به همین دلیل است که اطرافیان رعایت حال می‌کنند و صلاح نمی‌دانند ایشان از احوالات مردم و کشور آگاه شوند! دولت پیدای پنهان دارد ۸ ساله می‌شود و در این مدت رئیس‌جمهور ام‌المصائب را در امور حاشیه‌ای قرار داد و از ام‌المشکل و معیشت مردم و اشتغال آن‌ها غفلت کرد. دولت پنهان با اختیار کاری کرد که مردم در صف گوشت، مرغ، شکر و اکنون تخم مرغ ساعت‌ها بمانند. با اختیار تورم را بر مردم تحمیل کرد، رکود را بیشتر و اختیار خانه دار شدن مردم را تبدیل به یک آرزو کرد، با اختیار هر روز قیمت یک جنس را به عرش رساند. لیکن ناگفته نماند، هم شخص آقای رئیس‌جمهور و هم وزاری محترم مدام دستورات ویژه برای سامان دادن به بازار صادر می‌کنند، و این بازار است که هربار شرمسار می‌شود از این همه توجه و صدور دستور ویژه!!

همه این‌ها در سایه حمایت جبهه‌ای از دولت پنهان صورت گرفت که اکنون از موضع حمایتی خود، بزدلانه عقب نشینی کرده است. البته از اصولگرا و اصلاح‌طلب در فساد و ناکارآمدی در کشور مقصرند و بازی "کی بود من نبودم" دیگر جواب نخواهد داد. "دولت پنهان" پاسخگوی ناکارآمدی‌ها نیست اما تا لحظه آخر اتمام زمان ریاست جمهوری باید بر مسند خود بماند، روا نیست برخی که شعار "به عقب باز نمی‌گردیم" را سر میدادند، حال خود به عقب باز گردند. بگذارید بازگشت برای مردمی باشد که سخت تحت فشارند اما عقب نشینی و تسلیم در زمره عزت و کرام آنان نیست.

تاکنون از ابتدای شیوع ویروس متحوس کرونا، بارها در سطح جامعه این پرسش برای همگان مطرح شده که رئیس‌جمهور کجاست و چرا در انظار عمومی حاضر نمی‌شود؟! و این پرسش زمانی شدت گرفت که رئیس‌مجلس یازدهم و رئیس قوه قضائیه سفرهای استانی و بازرسی‌های میدانی خود را آغاز کردند و اما جناب رئیس‌جمهور همچنان تمام دیدارها، افتتاحیه‌ها، دستورها، پیگیری‌ها و حتی دفاع از وزیر پیشنهادی خود را به صورت ویدئو کنفرانسی انجام می‌دهند. رئیس‌جمهور پنهانی که دستور بازگشایی مدارس را صادر می‌کند و زنگ آغاز سال تحصیلی جدید را خود از پشت دوربین‌ها به صدا در می‌آورد. رئیس‌جمهور پیدای پنهانی که حتی حاضر نیست برای دفاع از وزیر جنجالی پیشنهادی صمت، آن هم بعد ماه‌ها تاخیر در مجلس حاضر شود.

پاسخ این پرسش مهم را چندی پیش رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور اینگونه عنوان کرد: "خون مقامات از مردم رنگین‌تر نیست، اما تردید نکنید اگر رئیس‌جمهور ۱۴ روز یا ۲۱ روز بخواهد در منزلش بماند قطعاً به کشور و تصمیم‌گیری‌ها لطمه وارد می‌شود."

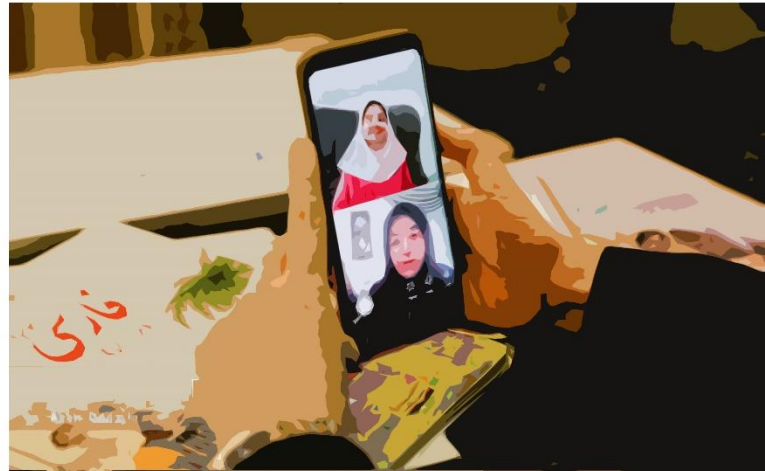
لطمه‌ای که اگر خیر نباشد، قطعاً شر نیست...



بوک ماه مدرسه

زیادی تازه مدرسه را شروع کردند اما نه جشن ورودی برای آن‌ها برگزار شد و نه توانستند با دوستان هم سن خود رابطه دوستانه تری برقرار کنند چرا که شنیده بودند باید فاصله اجتماعی را رعایت کنند. اما در میان این بهیوه‌ها خطی نیاز بود تا توسط آن افکار فریبی و پرت کردن ذهن دانش آموزان در موضوع جلد کتاب ریاضی سال سوم ذهن عوام مردم را مورد هدف قرار دهند. سیستم آموزشی تغییر کرد، کیفیت کلاس‌ها کاهش یافت و دانش آموزان خاطراتشان محدود شد به یک گوشی؛ دنیا دنیای مدرن است قبول؛ فضا فضای مجازی است قبول؛ اما گاهی دل‌مان می‌خواست فرزندانمان کودکی می‌کردند، خاطره می‌ساختند و روزگارانی که نبودند برای نسل هایشان می‌گفتند، ولی شاید خاطراتشان فقط محدود شد به خاله زنگ بازی‌های...

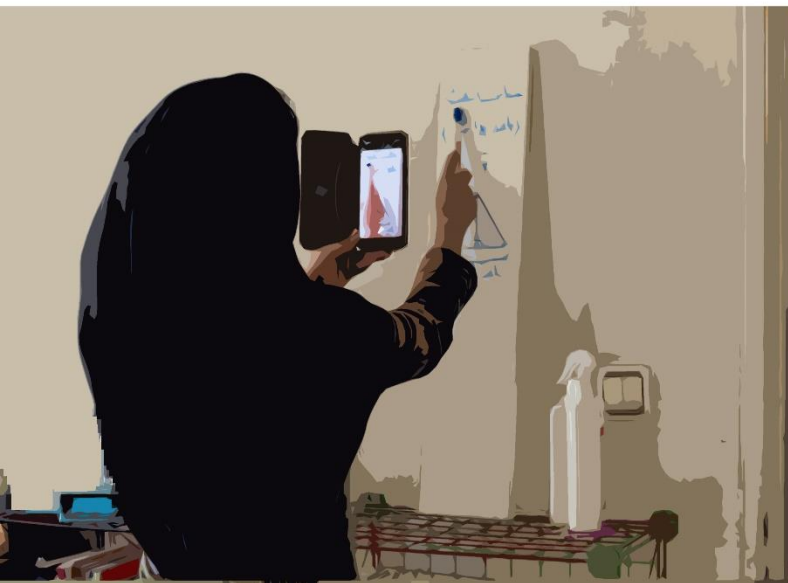
گاهی شاید مجبور به تعویض همه چی شویم درست مانند ماشینی که دیگر موتورش کار نمی‌کند. ولی گاهی بدنه ماشین کاملاً اشتباهی است. پس باید یا بدنه تغییر کند یا آن ماشین را از شهر دور کرد چون جز ضرر و ایجاد آلودگی هیچ کار دیگری بلد نیست...



مدرسه‌ها با آغازی دلهره‌آور برای دانش آموزان و خانواده‌هایشان کلید خورد. به گونه‌ای که آخرین گزارشات ستاد ملی کرونا، خبر از ورود دانش آموزان به مدارس را می‌دهد و ظاهراً با تقسیم تعداد دانش آموزان به دو گروه و رعایت پروتکل‌های بهداشتی این امر انجام گرفته است به نحوی که دانش آموزان در مدارس حاضر می‌شوند و مسئولین محترم دولت با سیستم‌های مجازی زنگ شروع سال را به صدا درمی‌آورند.

مدارس با بوی الکل و چهره‌های ماسک زده دانش آموزان که نگران تمام شدن شیشه الکل‌های خویش بودند روبه‌رو شد. بر همین اساس تایم کلاس‌ها کمتر شده و معلمان نیز مجبور به تدریس هم‌حضور و هم‌گذرانیدن ساعت‌ها و وقت خود در فضای مجازی هستند. فضای مجازی نیز با نرم‌افزار کاربردی مخصوص آموزش و پرورش، شاد، برای حل مشکلات دانش آموزان ارائه شد اما تا حد زیادی بر مشکلات آن‌ها از قبیل عدم اتصال و ناتوانی در ورود به کلاس دانش آموزان به‌گه‌ها افزود. البته خالی از لطف نیست که مانند هر سال معلمان ۳۰ درصد افزایش حقوق نیز داشته‌اند.

ماه مدرسه درست در زمانی ورق خورد که کلاس اولی‌های



سیره سیاسی علی ابن موسی (ع)

هنگامی که امام را از مدینه به خراسان دعوت کرد، آن حضرت فضای مدینه را از کراهت خود به این جابجایی پر کرد. به طوی که همه در پیرامون امام یقین کردند مامون با نیت سو، حضرت را از وطن خود دور می کند. امام در وداع با حرم پیامبر(ص)، در وداع با خانواده اش، هنگام خروج از مدینه با گفتار و رفتار، زبان دعا و اشک، بر همه ثابت کرد این سفر، آخری نسبت به امام به خاطر پذیرش پیشنهاد او بدبین می شدند در اولین لحظات این سفر دلشان از کینه مامون پر شد.

امام از هر فرصتی اجباری بودن قبول پیشنهاد ولایتعهدی را به گوش همگان میرساند. طبیعی بود که این سخن همچون عجیب ترین پدیده ی سیاسی دهان به دهان و شهر به شهر پراکنده شود و همه بفهمند مامون فقط ب دلیل آنکه از ولایتعهدی برادرش امین عزل شده بود دست ب جنگی چند ساله زد و هزاران نفر از جمله برادرش امین را به قتل رساند، کسی مثل علی بن موسی الرضا پیدا می شود که به ولیعهدی با بی اعتنایی نگاه می کند. این درست عکس آن چیزی را نتیجه میداد که مامون به خاطر آن سرمایه گذاری کرده بود.

امام رضا

با همه ی این شرایط امام رضا علیه السلام فقط بدین شرط ولیعهدی را پذیرفت که در هیچ یک از امور حکومت دخالت نکنند. امام در همان حال که نام ولیعهد را داشتند چهره ای به خود میگرفتند که گویی با دستگاه خلافت مخالف و به آن معترض هستند.

هدف اصلی امام از قبول پیشنهاد مامون فراتر از این ها بود. نظرات امام در محضر مامون که در آن قوی ترین استدلال های امامت را بیان فرمودند، نامه ی «جوامع الشریعة» که در آن همه ی رئوس مطالب عقیدتی و فقهی شیعی را برای فضا بن سهل نوشته شده بیان کرده است. بنابر روایات مامون یک یا دوبار توطئه ی قتل امام رضا علیه السلام را به وسیله ی نوکران و یادی خود ریخت، اما این شیوه ها هم نتیجه ای جز جلب اعتقاد مردم به رتبه ی معنوی امام به بار نیاورد. در آخر چاره ای نیافت تا امام را در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری به دست خود و بدون هیچ واسطه ای مسموم کند.

مآخذ ایران نژاد

مطالبه (برداشت سوم)

کاملاً می‌توانم تصور کنم که در این لحظه چه چیزی از خاطرتان می‌گذرد و چه سوالی در مغزتان رژه می‌رود. قطعاً خواهید گفت در جامعه‌ای که مسئولینش آن‌طور که باید به فکر مردم نیستند نمی‌توان کاری انجام داد... اما بیایید طرز نگاهمان را عوض کنیم. مسئولی در هر جایگاه سیاسی و یا اجتماعی بالا می‌رود و انتخاب می‌شود که مردم آن‌ها را انتخاب کنند. پس خیلی هم نباید خودمان را از هر گونه اشتباه مبرا بدانیم؛ چراکه این ما بوده‌ایم که یا اشتباه انتخاب کرده‌ایم و یا اصلاً انتخابی نکرده‌ایم!

در جامعه‌ای کوچک‌تر مثل دانشگاه درست است که ما نقشی در انتخاب مسئولین نداریم، اما می‌توانیم حداقل انتقاد خود را به آن نهاد برسانیم و آن نهاد قطعاً به این نتیجه خواهد رسید که انتقادهای زیاد افراد، قطعاً روزی گریبان‌شان را خواهد گرفت و از اعتبار آن نهاد کم خواهد شد.

داخل پرانتز این را هم بگوییم که دانشگاه "فقط" جای درس خواندن نیست. دانشگاه نمونه کوچکی از جامعه است، جایی است برای رشد کردن و محک زدن خود؛ و اگر در این جامعه کوچک فاعل نباشیم و همیشه مفعول واقع شویم در جامعه بزرگ‌تر هم وضعمان به همین گونه خواهد بود. این را هم بدانیم که همیشه خواص، عوام را هدایت می‌کنند. یعنی هرچند تعداد افراد کم باشد اما اگر مسیرشان درست و سنجیده باشد و با مدیریت خوب کار را آغاز کنند می‌توانند به نتیجه دلخواه خود برسند.

با عرض سلام و خدایوت به همه دانشجویان عزیز که تعطیلات تابستان‌شان به علت شیوع ویروس ملعون کرونا! از ۳ ماه به ۲ هفته نزول پیدا کرد؛ و با آرزوی سلامتی و حال خوب و البته شروع ترمی خوب و پر ثمر برای همه شما عزیزان.

در دو برداشت قبلی مطالبه در مورد ضرورت مطالبه و چگونگی به انجام رساندن آن بحث‌هایی داشتیم و اما این برداشت از موضوع مطالبه کمی متفاوت‌تر خواهد بود. دانستن جایگاه خود در جامعه: همان‌طور که در بخش‌های قبلی هم از ضرورت همراهی کردن تمام و یا اکثر افراد برای به نتیجه رسیدن مطالبه مطالبی گفته شد، در این برداشت هم قصد دارم این موضوع مهم را کمی واضح‌تر و قابل فهم‌تر بیان کنم؛ باشد که پندی شود برای پند گیرندگان!

انسان گاهی قدر و جایگاه خودش را به درستی نمی‌شناسد و با خود می‌گوید: "من که نقشی در این جامعه و این کشور و حتی این شهر و دانشگاه ندارم..." و این قصه همیشه و همه جا و برای تک تک افراد جامعه به همین حالت تکرار می‌شود و در نتیجه جامعه تشکیل می‌شود از افرادی خسته و همیشه گوشه‌گیر که دیگران را مقصر بدبختی‌های خود می‌دانند و همیشه نالان هستند که چرا حکومت و یا هر فرد بالا دستی، کاری برای خوب شدن حال آن‌ها نمی‌کند! مگر جامعه از چه چیزی تشکیل شده است؟؟ غیر از همین افرادی که هر کدام به نوعی گوشه‌ای کنج عزلت گزیده‌اند و از شرایط فعلی خود افسوس می‌خورند؟



جو رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین ارکان برای به نتیجه رساندن یک مطالبه، رسانه است. رسانه می‌تواند بهترین ابزار باشد برای این که افراد را به راحتی در تجمعی گرد هم بیاورد و با شبکه‌سازی به نتیجه دلخواه برسد. نکته‌ای که باید در این جا مد نظر قرار بگیرد این است که باید رسانه را بشناسیم و باید سواد رسانه‌ای داشته باشیم. چرا که هر موضوعی ارزش مطالبه را ندارد و رسانه می‌تواند آن چنان آن موضوع را برجسته و مهم جلوه دهد که همه افراد باورش‌شان شود که واقعا چنین خواسته و نیازی داشته‌اند و به آن رسیدگی نشده است!

پس برای تشخیص درست بودن یا نبودن یک مطالبه ابتدا باید فکر کنیم که آیا این موضوع واقعا مشکلی را به وجود آورده است؟ اگر جواب مثبت است باید برویم به سراغ این که دلیلش چیست و باید بدانیم ریشه مسئله در چه چیزی بوده است و سپس به

حل آن بپردازیم. پس

با دیدن هر خبر از

منابع غیر موثق و یا هر چیزی

که هنوز به رسمیت و

به قطعیت درباره آن

پرداخته نشده است نباید

نتیجه‌گیری کرد. و خلاصه این

که بی‌گدار به آب نزنیم ولی

آن قدر هم در این قضیه سخت

گیر نباشیم که هیچ مطالبه‌ای در

ذهنمان منطقی جلوه نکند!

به فرمایش امام علی علیه السلام: "دیده نمی

شود نادان مگر آن که تند رو است (از حد و

اندازه خود می‌گذرد) یا کند رو (به حد و

اندازه خود نمی‌رسد).

«حکمت ۷۰ نهج البلاغه»

سیده زهرا حسینی





تصویر قفل درب خانه حضرت زهرا علیه السلام

نگاه عوامانه در مسئله ے ظهور منجے

درستی می شناسند هر چند که درک خود ظلم هم مرحله‌ی اولیه است و خیلی از مردم جهان ظالم را درک نمی کنند و متوجه ظلم وارده به خویش نمی شوند، اگر مردم جامعه‌ای دریافتند که به آنها ظلمی روا داشته می شود، یک قدم به سمت ظهور نزدیک تر شده اند اما قدم بعدی این است که باید درک صحیحی از عدالت به معنای واقعی کلمه ایجاد شود و اجرای عدالت باید فراگیر و پایدار باشد، فراگیر بودن عدالت یعنی که شامل هر کسی که بی عدالتی می کند بشود و این فراگیر بودن نه تنها موجب دشمنی فراوان منفعت طلبان کلان می شود بلکه افراد کوچکی هم که منافع اندکی از ظلم می برند به سطوح می آیند؛ هنگامی که عدالت فراگیر شود پایدار نیز میماند و الا پایداری چندانی ندارد.

گفتیم که فراگیری ظلم و بیزاری مردم از آن بدون اینکه آمادگی پذیرش عدالت داشته باشند باعث تحقق ظهور نخواهد شد چرا که بیزاری از ظلم نیز مراتب متفاوتی دارد، مثلاً گاهی بر اساس موج و جو ایجاد میشود و باید بدانیم که خداوند حکومت خویش را بر روی موج و جو ایجاد نخواهد کرد. جهت مثالی در این باره باز هم به تاریخ مراجعه می کنیم، زمانی که حضرت علی علیه السلام بعد از جنگهای متعدد، مردم و اطرافیان را به جنگ با معاویه متقاعد میکنند، سرزنشگاه ایشان شهید شده و در واقع خداوند حکیم ایشان را از بین مردم برمی دارند به چه علت؟ زیرا که ظلم ستیزی مردم بر اساس جو بود و به عدالت باوری نداشتند. اگر مردم آن زمان به اسلام واقعی اعتقاد میداشتند و ولایت پذیر واقعی می بودند باید بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام به وصی ایشان و امام بعدی یعنی امام حسن علیه السلام اقتدا میکردند اما میدانیم که این گونه نبود!

مرتبه ی دیگر بیزاری از ظلم آن است که به کسی ظلم بشود و از این ظلم به ستوه بیاید و بخاطر احقاق حق خود منتظر ظهور حضرت باشد در صورتی که اگر به

در مطلب گذشته به اختصار دو نگاه عامیانه و غلط در مسئله‌ی انتظار را بررسی کردیم که شامل خارج بودن قیام از سنت های الهی و همچنین متکی بودن حکومت حضرت به شمشیر بود؛ در این مطلب قصد داریم به دو مورد دیگر از این عقاید عامیه بپردازیم :

۳. حکومتی صرفاً برای مبارزه با ظلم: سومین نگاه عامیانه ای که در بین مردم رواج دارد این است که حضرت می آیند تا جهان را از ظلمت و ظلم ظالمان نجات دهند؛ دیدگاه این دسته این است، زمانی که همه مردم از ظلم و از به اوج رسیدن جرم و گناه به سطوح بیایند امام زمان عجل الله ظهور می کنند اما این دیدگاه غلط است به چه علت؟ زیرا باید بدانیم نجات از ظلم یک رکن دیگری هم دارد و آن تحقق عدالت است، اینکه مردم صرفاً از ظلم خسته شوند ولی تحمل تحقق عدالت را هم نداشته باشند بنیان مناسبی برای ایجاد حکومت نیست! در تاریخ شیعه داریم هنگامی که حضرت علی علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین شدند و مردم از ظلم و جور خلفای سه گانه به شدت ناراضی بودند و در اثر همین ناراضی ها به حضرت علی علیه السلام مراجعه کردند و از ایشان تقاضا کردند که حکومت را به دست بگیرند ولی ایشان امتناع می کنند، اینطور نیست که حضرت به اصطلاح معمول ناز بیاورند و یا تعارف کنند و یا حتی از سرزنش مردم که ایشان را جاه طلب بخوانند بیم داشته باشند! خیر حضرت معصوم هستند و هنگامی که پای انجام تکلیف باشد عقب نمی شینند اما علت اینکه حضرت امتناع کردند این است که درست است مردم از ظلم به ستوه آمده بودند اما مردمی بودند که تحمل عدالت را نداشتند و اساساً عدالت و لوازم آن را درست نمی فهمیدند و نمی توانستند تحملش کنند؛ الان مردم عالم از ظلم اسرائیل و آمریکا خسته شدند اما به این معنی نیست که توانایی تحمل تحقق عدالت را دارند و عدالت را به

این فرد ظلم نمی‌شد هیچ‌گاه به فکر تحقق عدالت نمی‌بود در واقع این فرد دنبال حق خود طلبی است نه حق طلبی!! دلش به حال عدالت واقعی نسوخته و تا زمانی پای حق و عدالت می‌ایستد که برایش منفعت و سودی داشته باشد و الا طرفدار عدالت نیست!

حضرت امام در بیانیه‌ای، این حق خود طلبی و حق طلبی را خیلی واضح و روشن بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «باید اشخاصی که می‌خواهند صحبت کنند، ببینند که آیا حق را می‌خواهند برای حق؟ بزرگترین چیزی که انسان اگر آن را داشته باشد کمال بزرگ دارد این است که حق را برای حق بخواند. از حق خوشش بیاید برای اینکه حق است و از باطل متنفر باشد برای اینکه باطل است. اگر حق به دست دشمنانش هم اجرا شد این مالکیت را داشته باشد بر نفس خودش که آن حق را تعریف کند و اگر باطل از فرزندش یا دوستانش وجود پیدا کرد این مالکیت را داشته باشد که از او متنفر داشته باشد و اظهار تنفر کند کسانی که حق را برای حق خواهند اندک اند بسیار اندک ... و کسانی که باطل را برای باطل بودند بغض بر آن دارند اندک اند بسیار اندک»

حضرت آیت الله بهجت نیز در کلامی به تفاوت کسی که منتظر رسیدن به حق و نیاز خود است و منتظر حقیقی که منتظر برپایی حق اشاره می‌فرماید: «اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظران حضرت باشند نه برای برآوردن حاجات شخصی خود!»

۴. فراوان شدن نعمات بعد از ظهور: آخرین نگاه عوامانه رایج که مورد بررسی ما قرار می‌گیرد این است که بعد از ظهور حضرت، نعمت بی دلیل فراوان شود. البته در روایات زیادی داریم که فقر در زمان ظهور حضرت کاهش پیدا کرده و مردم سطحی از آبادی و آبادانی را در جهان خواهند دید که تا قبل از آن چنین چیزی مشاهده نشده است؛ اما این به آن معنی نیست که زندگی انسان آکنده از هرگونه مشکل و سختی باشد و بهشت و دنیا جا به جا شود این طور نیست؛ باید بدانیم که نظام آفرینش انسان طوری قرار داده شده، که انسان متحمل رنج و سختی شود و اتفاقاً از پس همین رنج‌ها رشد خواهد یافت همانطور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد خلقنا الانسان فی کبد» همانا انسان در سختی و مصیبت زاده شده و زندگی خواهد کرد و آزمایش خواهد شد، در نتیجه در زمان ظهور هم همینطور است؛ نباید مسئله‌ی ظهور را در حد رفع مشکلات زندگی روزمره انسان تنزل داد! رفع مشکلات معیشتی فقط یک قسمت کوچکی از مسئله‌ی ظهور حضرت است.

در پایان باید بگوییم اکثر این نگرش‌های عوامانه در نتیجه‌ی برخورد سطحی با احادیث و روایات است. این طرز برخورد عمیق نیست، بنابراین موجب گمراهی منتظران میشود؛ برای رفع این مشکل باید با احادیث و روایات، سطحی برخورد نکرده، حجم خوانی و جامع خوانی را در نظر بگیریم. یعنی باید مجموعه‌ی روایات را مورد بررسی قرار داده و از چند روایت نتیجه‌گیری به عمل نیایم و همچنین از تفاسیر مناسب استفاده کنیم.

برگرفته از کتاب «انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه» علیرضا پناهیان

سیده نفیسه حسینی

